

سیوطی و علوم قرآنی

ترجمه: حسین علی‌نعمان

چکیده

مجله عربی زبان «مجمع اللغة العربية» دمشق از نشریات معتبر علمی و بین‌المللی، در فعالیت هشتاد ساله خود، یک شماره ویژه علامه سیوطی منتشر ساخت. از میان مقالات این ویژه‌نامه، مقاله‌ای تحت عنوان «السیوطی و علوم القرآن» مندرج است. این مقاله شامل دو بخش می‌شود. در بخش اول به شرح حال مختصری از زندگانی و فعالیت علمی سیوطی پرداخته شده و بخش دوم که ترجمه آن را در پیش رو دارید به بررسی آثار قرآنی او می‌پردازد. در ابتدا لیستی از آثار وی بر اساس دست‌نویست بهجة العابدین و کتاب التحدث بنعمة الله یا همان زندگی‌نامه خودنویست سیوطی ارائه شده است و به دنبال آن کتاب الاتقان فی علوم القرآن به عنوان مهمترین اثر قرآنی سیوطی مورد بررسی محتوایی و کتاب‌شناختی قرار گرفته و مقایسه‌ای بین این کتاب و کتاب البرهان زرکشی (درگذشت ۷۹۴ق) به عنوان اثری متقدم و مشابه صورت گرفته است.

کلید واژه‌ها: سیوطی، علوم قرآنی، الاتقان فی علوم القرآن، مجمع اللغة العربية، نشریه.

عشق و علاقه سیوطی [۸۴۹-۹۱۱ق] به قرآن و اهتمام به حفظ آن از همان اوان کودکی به عنوان ودیعه‌ای الهی در وجود او بارز و نمایان بود به طوری که در کمتر از هشت سالگی کل قرآن را حفظ کرد^۱ و این خود دلیل بر ذکاوت و نبوغ اوست. پس تعجبی ندارد که چنین شخصیتی ما را از تألیفات بر جای مانده وی به شگفت آورد. به نحوی که گاه آدمی از خواندن این کتابها ناتوان می‌ماند؛ چه رسد به تحریر و تألیف آن.

اولین تألیف او [در علوم قرآن]، «شرح الاستعاذة و البسملة» نام دارد که وقتی استاد او

بلقینی آن را می بیند به شگفت آمده تفریطی برای آن می نویسد.^۲ آنگاه تألیفات سیوطی یکی پس از دیگری به نگارش درآمد. خداوند به سیوطی یک تفکر بارور و فکری وقاد و آگاه و تیزبین اعطا نمود که او توانست در بسیاری از علوم و فنون متبحر شود.

علوم قرآن از جمله آن علومی بود که سیوطی به عنوان نعمت الهی از آن یاد می کند: «و رزقتُ التبحر فی سبعة علوم: التفسیر و الحدیث و الفقه و النحو و المعانی و البیان و البدیع...»^۳

سیوطی بسیار به خود و کتابهایش مباهات می ورزید و مرتباً می گفت که فلان کتاب را کسی به مانند من ننوشت... و از جمله آن کتابهایی که در مورد علوم قرآن است و او با این وصف از آنها یاد می کند بدین قرارند:

۱- الاتقان فی علوم القرآن؛

۲- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛

۳- ترجمان القرآن؛

۴- اسرار التنزیل (و هو المسمى قطف الازهار فی كشف الاسرار)؛

۵- الأکلیل فی استنباط التنزیل؛

۶- تناسق الدرر فی تناسب الآیات و السور.^۴

به علاوه، یک کتاب خطی در مورد تألیفات سیوطی یافتیم که شاگردش شیخ عبدالقادر شاذلی در کتابش «بهجة العابدین» از آن یاد کرده است: «این فهرست کتب عالم علامه، حافظ زمان، جلال الدین سیوطی است؛ از آن یک نسخه، که خط مؤلف در آن آمده موجود است.»^۵ از آن فهرست، آنچه مربوط به علوم قرآن و متعلقات آن است، گزینش کرده ام:

۱- الدر المنثور (۱۲ جلد ضخیم)؛

۲- التفسیر المسند و یسمى (ترجمان القرآن)، در ۵ جلد؛

۳- الاتقان فی علوم القرآن (یک مجلد ضخیم)؛

- ۴- الأکلیل فی استنباط التنزیل؛
- ۵- لباب النقول فی اسباب النزول؛
- ۶- الناسخ و المنسوخ فی القرآن؛
- ۷- مفحمات الاقران؛
- ۸- اسرار التنزیل (یسمى قطف الازهار فی كشف الاسرار)؛ (از اول تا آخر سوره توبه، در یک مجلد ضخیم)؛
- ۹- تکملة تفسیر الشیخ جلال الدین المحلی؛ (از اول قرآن تا آخر سوره اسراء در یک مجلد کوچک)؛
- ۱۰- تناسق الدرر فی تناسب السور؛
- ۱۱- حاشیة علی تفسیر البیضاوی تسمى (نواهد الابدکار و شوارد الافکار) در چهار جلد؛
- ۱۲- التحدیر فی علوم التفسیر (یک جزوه مختصر)؛
- ۱۳- معترك الاقران فی مشترك القرآن؛
- ۱۴- المهدب فی ما وقع فی القرآن من المعرب؛
- ۱۵- خمائل الزهر فی فضائل السور؛
- ۱۶- میزان المعدلة فی شأن البسمله؛
- ۱۷- شرح الاستعاذة و البسمله؛
- ۱۸- مراصد المطالع فی تناسب المطالع و المقاطع؛
- ۱۹- الازهار الفاتحة علی الفاتحة؛
- ۲۰- فتح الجلیل للعبد الذلیل فی قوله تعالی (اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) الآیة. که در آن ۱۲۰ نوع از انواع بدیع را استخراج کرده است؛
- ۲۱- الید البسطی فی تعیین الصلاة الوسطی؛
- ۲۲- المعانی الدقیقة فی ادراک الحقیقة، یتعلق بقوله تعالی (و علم آدم الاسماء کلها)؛
- ۲۳- دفع التعسف عن اخوة یوسف؛

۲۴- اتمام النعمة في اختصاص الاسلام بهذه الأمة؛

۲۵- الحبل الوثيق في نصرة الصديق، يتعلق بقوله تعالى (و سيجنبها الاتقي)؛

۲۶- الفوائد البارزة و الكامنة في النعم الظاهرة و الباطنة، يتعلق بقوله تعالى (و أسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة)؛

۲۷- المحرر في قوله تعالى (ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر)؛

۲۸- مفاتيح الغيب (از سوره سَبَّح تا آخر قرآن، در يك جلد)؛

۲۹- ميدان الفرسان في شواهد القرآن؛

۳۰- مجاز الفرسان في شواهد القرآن، (اين كتاب، مختصر كتاب مجاز القرآن شيخ

عزالدين بن عبدالسلام است)؛

۳۱- [الفية في القراءات العشر]؛

۳۲- شرح الشاطبية (تركيبی)؛

۳۳- الدر النثير في قراءة ابن كثير؛

۳۴- منتقى في تفسير عبدالرزاق؛

۳۵- منتقى في تفسير ابن ابي حاتم (يك جلد)؛

۳۶- القول الفصيح في تعيين الذبيح؛

۳۷- الكلام على اول سورة الفتح؛

اين تمامی تألیفات [قرآنی] سیوطی، در آن دست نوشته است. نیز چند کتاب دیگر از

کتب سیوطی را از کتاب او (حسن المحاضرة) به شرح ذیل اضافه می‌کنم:

۳۸- مجمع البحرين و مطلع البدرين (الجامع لتحرير الرواية و تقرير الدراية)؛

۳۹- المتوكلى في ما ورد في القرآن باللغات الحبشية و الفارسية و الرومية و الهندية...

(بروكلمان از اين كتاب ياد کرده است ۷)؛

۴۰- جزوه‌ای در اصول تفسير که خلاصه کتابش النقاية می‌باشد.^۸

با نگاهی به عناوین تألیفات قرآنی سیوطی و حتی دیگر علوم ملاحظه می‌کنیم که

هدف سیوطی ایجاد یک مکتب پیشرفته علمی در فنون مختلف بوده است. و این حقیقتی است که در تألیف او هویدا است. هر یک از مجموعه آن فنون یک فن متکامل به شمار می‌رود که در آن مسائل کلان و خرد جمع‌آوری شده و این چیزی است که در لیست کتب قرآنی او به وضوح مشاهده می‌شود. در حقیقت هر یک از این تألیفات به مثابه یک حلقه مکمل برای دیگر حلقه‌ها به شمار می‌رود و مجموع آنها، تشکیل دهنده یک فن کامل در علوم قرآن هستند. سیوطی خود در مقدمه کتاب قطف الأزهار به این نکته اشاره می‌کند. این مقدمه بهترین نمونه‌ای است که بیانگر تلاش سیوطی در این زمینه می‌باشد. در این کتاب به کیفیت مکمل بودن برخی از کتابها برای برخی دیگر اشارت نموده است:^۹

«خداوندی که ستایش و حمد مخصوص اوست بر من منت نهاد به اینکه در علوم قرآن و حقایق آن پردازم و اسرار و وقایع آن را جويا شوم. تا بدانجا که به آن علوم کتابهای گوناگونی انشاء نمودم از جمله تفسیر ترجمان القرآن که اسناد آن متصل به رسول خدا و اصحابی که او را درک کرده و وحی و قرآن و تفسیر و تأویل را فرا گرفته‌اند، می‌شود و اگر این تفسیر، صرف نقل بوده و نکات بیانی و اعرابی در بر نداشت [در عوض] به دنبال آن کتب دیگری را به رشته تحریر در آوردم از آن جمله کتاب الاتقان فی علوم القرآن که به منزله مقدمه مفسرین به شمار می‌رود و غالب اصول در آن آمده... سپس در مورد احکام، کتاب الاکلیل فی استنباط التنزیل را در قالب یک مجلد لطیف [مختصر] نگاشتم که این کتاب در بر دارنده کلیه مسائل بیان شده مؤلفین در مورد احکام قرآن می‌شود. آنگاه تألیف جداگانه‌ای در اسباب نزول به نام «لباب النقول» نوشتم. این کتاب از نظر ایجاز و تحریر بدان گونه است که در نوع خود بر همه کتابهای نگارش یافته قبلی برتری دارد. آنگاه کتابی مختصر در مبهمات نوشتم که در نوع خود از لحاظ جامعیت و موجز بودن به مانندش نیامده است. این کتاب مفحمات الأقران فی مبهمات القرآن نام دارد. سپس یک تألیف جداگانه‌ای به صورت جزوه در مورد الفاظ دخیل معرب در قرآن به نام «المهذب فیما وقع

فی القرآن من المعرب» ترتیب دادم.

آنگاه جزوه‌ای با نام «معتبرک الأقران فی مشترک القرآن» تألیف کردم و سپس مختصری را به نام «مجاز الفرسان الی مجاز القرآن» - که ناقص ماند- نوشتم: آنگاه کتاب خمائل الزهر فی فضائل السور را تحریر نمودم.

با نگاهی به آثار سیوطی درمی‌یابیم که معظم تألیفات وی شامل رساله‌های کوچکی می‌شود که احیاناً مطلب برخی در برخی دیگر منتقل گردیده؛ به عنوان مثال، کل کتاب مفحمات الأقران فی مبهمات القرآن^{۱۰} یا خلاصه آن را در کتاب معتبرک الأقران مشاهده می‌کنیم؛ همچنین کتاب معتبرک الأقران^{۱۱} را جزیی از کتاب «الاتقان»^{۱۲} می‌یابیم. چنان‌که تناسب الدرر فی تناسب الآیات و السور، خلاصه کتاب اسرار التنزیل اوست. و سیوطی این مطلب را در الاتقان در نوع شصت و دوم که موضوع آن مناسبت آیات و سور می‌باشد بیان داشته است.^{۱۳}

وضعیت دو کتاب دیگر او «المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب»^{۱۴} و «المتوکلی»^{۱۵} به همین منوال است. همه مطالب این دو کتاب، در کتاب دیگر او «التحجیر فی علوم التفسیر»^{۱۶} در نوع چهلم -المعرب- ضبط شده و خلاصه این سه کتاب در الاتقان در نوع سی و هشتم آن یعنی (فی ما وقع فیہ، ای القرآن، بغير لغة العرب) مندرج است. سیوطی در آنجا گفته یک کتاب جداگانه در این نوع به نام (المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب) تألیف کرده است. لهذا می‌توان گفت: کتاب الاتقان، حاوی بیشترین مطالب کتب قرآنی به رشته تحریر درآمده سیوطی است. گویا وی رساله‌هایی را در مباحث مختلف و مرتبط با قرآن -از جمله اسباب نزول، متشابهات، مبهمات، تناسب سوره‌ها، معرب و... نوشته؛ سپس همه آنها را در کتاب الاتقان فی علوم القرآن گنجانده است. بنابراین این کتاب - چنانچه از اسمش پیداست- جامع مباحث گوناگون و مطالب خاص [در زمینه علوم قرآنی] می‌باشد، لذا موضوع «علوم قرآن نزد سیوطی» را با بررسی کتاب الاتقان فی علوم القرآن -که بزرگترین اثر سیوطی به شمار می‌رود- پی می‌گیریم.

الاتقان فی علوم القرآن

سیوطی در مقدمه کتاب الاتقان به مانند تألیفات دیگرش - به روش کتاب و اهمیت آن؛ منابع مورد رجوع و مطالب افزون دیگر، اشاره نموده و آن را بی سابقه برشمرده است و گفته: «و من در آن زمان که به تحصیل علم اشتغال داشتم، از پیشینیان در اینکه چرا در انواع علوم قرآن کتابی را تدوین نکرده‌اند در شگفت بودم، چنان‌که در مورد علم حدیث هم کتابی وضع نکردند، تا اینکه از استادم - استاد الاساتید - نور چشم بینندگان، خلاصه هستی، علامه دهر، فخر و افتخار و عین الأوان، ابو عبد الله محی الدین کافیهی -^{۱۷} که خدا بر طول عمر او بیفزاید و سایه‌اش را بر سرش بگستراند - شنیدم که گفت: در علوم تفسیر کتابی^{۱۸} نگاهشتم که کسی پیش از من چنین کتابی تألیف نکرده است. پس نسخه‌ای از روی آن نوشتم، اما بسیار کوچک بود؛ خلاصه آن دو باب است:

باب اول در معنی تفسیر و تأویل و قرآن و سوره و آیه و باب دوم در شروط ارائه نظر در پیرامون مسائل قرآن و در خاتمه آن آداب عالم و متعلم. این کتاب جان‌تشنه‌ام را سیراب نکرد و به سبیل مقصود هدایت‌م نکرد. آنگاه استاد ما شیخ مشایخ اسلام، قاضی القضاة و خلاصه انام، علمدار مذهب مُطلبی [شافعی] علم‌الدین بلقینی^{۱۹} - رحمت خدا بر او - مرا از کتاب «مواقع العلوم من مواقع النجوم» برادرش قاضی القضاة جلال‌الدین، مطلع ساخت. من آن کتاب را لطیف و مجموعه‌ای با ظرافت یافتم که مرتب و با تقریر و تنوع و پرمحتوا بود. در آنجا شش امر کلی ذکر کرده که شامل پنجاه نوع از انواع علوم قرآن می‌شود. سپس هر یک را با کلامی مختصر، بسته به احتیاج آن نوع به تحریر، تتمه و زوائد مبهمات، افزوده است. لذا من در این زمینه کتابی نگاهشتم و آن را التحبیر فی علوم التفسیر نامیدم، در این کتاب انواعی را که بلقینی آورده بود به اضافه همان مقدار از انواع قرار دادم و فوائد و نکات زیادی را که قریحه‌ام به نقل آنها، یاری کرد بر آنها افزودم.»

در مقدمه آن کتاب گفته که علوم قرآن مانند هر فنی مهمی باقی ماند تا اینکه بلقینی کتابش (مواقع العلوم) را نوشت و سپس آن را تنقیح، تبویب و دسته‌بندی کرد. به نحوی که

در این نوع بی سابقه بود. اما به هر حال هر امر بدیعی به ناچار کار کوچکی به شمار می رود ولی به مرور تصور می یابد. چنان که ابوالسعادات ابن اثیر در مقدمه نهاییه گفته: «هر چیز نو و ابتکاری که قبل از آن مانندش نبوده کم مایه و کوچک است آنگاه زیاد و پرمایه می شود.»^{۲۰}

سپس برای استاد ما، ضرورت استخراج انواع، که بی سابقه بوده رخ می نماید. نیز افزودن مطالب مهم دیگر که قبلاً در کتابها به طور کامل نیامده بود؛ لذا کمر همت به کار بست تا در این مورد کتابی که جامع فوائد و غرائب باشد بنگارد و این خود منجر به تکمیل و نگارش کتاب (التحییر فی علم التفسیر) در صد و دو نوع [از انواع علوم قرآنی] شد. و چنان که خود می گوید این کتاب به سال ۸۷۲ [ق] به اتمام می رسد. در ادامه، سیوطی در مقدمه الاتقان چنین می گوید: «سپس به خاطر من رسید که کتاب مفصل و مجموعه ضابطه مندی تألیف کرده و روش احصای مباحث را پیش گرفتم و راهی را رفتم که در هر باب تمام مطالب مربوطه استقصا و جمع آوری شود. البته چنین به نظر رسید که در مورد نگارش این نوع کتاب، یگانه هستم و کسی پیش از من در این راهها قدم نگذاشته حال آنکه در همان زمان که درباره این موضوع اندیشه می کردم؛ با خبر شدم که شیخ امام بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی - یکی از اصحاب متأخر شافعی - کتاب جامعی را با نام (البرهان فی علوم القرآن) به رشته تحریر در آورده».

لذا سیوطی در جستجوی آن کتاب برمی آید تا به آن دست می یازد و بسیار شادمان می گردد و عزمش بر آنچه در نیت داشته قوت می گیرد و کمر همت می بندد تا تصنیفی که در نظرش بوده انشاء کند. پس کتاب الاتقان را می نویسد و انواع آن را از کتاب البرهان به طرز بهتری از آن ترتیب می دهد، چنان که می نویسد: «و برخی از انواع را در بعضی دیگر ادغام نمودم و مطالبی که لازم بود بیان شود تفصیل دادم و بر آنچه در کتاب البرهان از فوائد و فرائد و قواعد و مطالب پراکنده بود، آنقدر که به گوشها خوش آید افزودم و آن را الاتقان فی علوم القرآن نامیدم و آن را به هشتاد نوع تقسیم کردم به طوری که هر یک از آن انواع

قابلیت آن را دارد که به تنهایی تصنیف جداگانه‌ای شود.»

امام سیوطی در مقدمه کتاب می‌گوید که الاتقان را به عنوان مقدمه کتاب تفسیر بزرگش (مجمع البحرین و مطلع البدرین، الجامع لتحریر الروایة و تقریر الدرایة) نگاشته است. خلاصه مفاد مقدمه الاتقان که سیوطی در آن گزارشِ نگارشِ آن را بیان داشته بدین قرار است:

۱- انگیزه تألیف کتاب الاتقان: قَلت کتب علوم قرآنی و عدم شمول آن کتابها بوده است و نیز اینکه سیوطی از آنچه استادش کافجی و قاضی القضاة جلال‌الدین بلقینی نوشته بودند، سیراب نشده بود؛

۲- سیوطی قبل از تألیف الاتقان، کتاب التخبیر فی علوم التفسیر را که شامل آموخته‌های وی از کتب قبلی می‌شده، به نگارش درآورده و در آن کتاب از قریحه و استعداد خود به آن مطالبی افزون کرده بود؛

۳- همین‌که قصد تألیف الاتقان را می‌کند به وجود کتاب البرهانِ زرکشی آگاهی یافته و چون به آن دسترسی پیدا می‌کند خشنود می‌شود و [آن را به عنوان منبع اصلی برمی‌گزیند و] به آن مطالبی اضافه می‌کند و یا برخی را در برخی ادغام و فصلی را بر فصول دیگر می‌افزاید؛

۴- کتاب الاتقان را مقدمه تفسیر بزرگش (مجمع البحرین...) قرار می‌دهد. حاجی خلیفه [در کشف الظنون] این مقدمه را چنین خلاصه کرده: «الاتقان فی علوم القرآن شیخ جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی (م ۹۱۱هـ) کتابی است که در آغازش آمده: الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب...؛ این کتاب مشهورترین و مفیدترین کتب سیوطی به شمار می‌رود و در این کتاب از تألیف استادش کافجی و کتاب مواقع العلوم بلقینی یاد کرده آنها را کوچک و کم اهمیت می‌شمرد. آنگاه پس از نگارش کتاب التخبیر، کتاب جامع (البرهان) زرکشی را می‌یابد. لذا کار را مجدداً از سر می‌گیرد و به آن کتاب، هشتاد نوع می‌افزاید و آن را مقدمه تفسیر بزرگ خود (مجمع البحرین) قرار می‌دهد. و

می گوید: «در بیشترین انواع، کتابهای جداگانه‌ای تألیف کرده‌ام.»^{۲۱}

امام سیوطی در پایان مقدمه الاتقان از کتابهایی که به آن رجوع کرده یاد می‌کند و بسیار به خود و کتابهایش مباهات می‌ورزد و از آنها به بزرگی و فخامت یاد می‌کند و آثار دیگران را همواره ناقص و گمراه کننده توصیف می‌کند و می‌گوید: «و از جمله تألیفاتی که بدین روش است ولی در حقیقت با این کتاب تفاوت دارد و بلکه مطالب کمتری در آنها هست شامل این کتابهاست: (فنون الافنان فی علوم القرآن) از ابن جوزی؛ (جمال القراء) تألیف شیخ علم‌الدین سخاوی؛ (المرشد الوجیز فی علوم تتعلق بالقرآن العزیز) از ابوشامه؛ (البرهان فی مشکلات القرآن) تألیف ابوالمعالی عزیزی بن عبدالملک معروف به شیدله. تمام این کتابها در قیاس با کتاب الاتقان، چون دانه ریگی است در کنار ریگزار و یا قطره کوچکی در مقابل دریایی خروشان».

سیوطی در ذکر مراجع مورد استفاده در الاتقان، ممتاز است چرا که او آن منابع را به یکباره نمی‌آورد بلکه آنها را بر اساس موضوع طبقه‌بندی کرده است.

تعداد مراجع مورد رجوع در الاتقان، بر حسب موضوع

- از کتابهای نقلی ۱۹ عنوان؛

- از مجموعه‌های حدیث و مسندها: بیش از حد شمارش؛

- از کتب قرائت و اداء الحروف قرآن: ۱۳ کتاب؛

- از کتابهای لغت و لغتهای غریب و ادبیات عرب و اعراب: ۲۴ کتاب؛

- از کتب احکام و مطالب مربوط به آن: ۱۶ کتاب؛

- از کتابهای مربوط به اعجاز و فنون مختلف بلاغت: ۵۱ کتاب؛

- از کتابهای رسم الخط [مصحف]: ۳ کتاب؛

- از کتب جامع: ۷ کتاب؛

- از تفاسیر غیر محدثین: ۲۱ تفسیر.

مجموع مراجعی که سیوطی به آن تصریح داشته ۱۵۴ کتاب می‌شود و این عدد به جز

کتاب حدیثی ای می شود که از ذکر آن غفلت ورزیده است. آنچه او را در بدست آوردن این منابع یاری نموده، ارتباط او با کتابخانه محمودیه بوده است. که سیوطی در این خصوص رساله ای به نام: (بذل المجهود فی خزانه محمود)^{۲۲} نگاشته است. یکی از اساتید سیوطی به نام محمد بن سعد سیرافی خزانه دار کتب شیخونیه بوده که سیوطی در شرح احوال وی در کتابش (نظم العقیان) می نویسد: «او به انواع فنون، عالم و به درستکاری، شهره بود و کوشش او در انتفاع طالبان علم بود.»^{۲۳}

روش سیوطی در کتاب الاتقان از نام گذاری «نوع» مورد بحث و بیان اهم مراجع مورد استناد در آن و به دنبال، از شرح و توضیح آن نوع و بیان اهمیتش در تدبیر در قرآن کریم و شرح معانی و استشهاد به آیات قرآن و کلام پیامبر (ص) و آرای علما و طرح نظریه خود در بسیاری از مواضع، روشن می شود. به عنوان مثال چنانچه به نوع نهم در الاتقان^{۲۴} - که در مورد شناخت سبب نزول است - مراجعه کنیم، سیوطی در آنجا می گوید: «گروهی از دانشمندان، تألیفات جداگانه ای در مورد سبب نزول تدوین کرده اند که قدیمی ترین آنها از علی بن مدینی - استاد بخاری - می باشد و از مشهورترین آنها کتاب واحدی است با وجود کمبودهای موجود در آن - جعبری این کتاب را خلاصه کرده، اسانید آن را حذف کرده ولی چیزی بر آن نیفزوده. شیخ الاسلام ابوالفضل ابن حجر کتابی در این زمینه نوشته که پیش از تکمیل، وفات یافته است و ما آن را کامل نیافتیم. من در این زمینه کتاب جامع و مختصری نگاشتم که به مانند آن در این نوع، تألیف نشده؛ اسم آن (لباب النقول فی اسباب النزول)^{۲۵} است. جعبری گفته: «نزول قرآن بر دو قسم بود: یک قسم ابتدا نازل می شد و قسم دیگر بعد از واقعه یا سئوالی نازل می گشت و در این نوع چند مسئله است.» و در ادامه، سیوطی پنج مسئله را بیان می کند. سیوطی در این مبحث بسیار از اقوال ائمه علما، استشهاد می آورد؛ و مثلاً می گوید: قال ابن دقیق العید... و قال ابن تیمیه... قال الشافعی... قال امام الحرمین... قال الزمخشری... قال ابن جریر... قال الحاکم فی علوم الحدیث... و قال الزرکشی فی البرهان... و قال ابن حجر فی شرح البخاری... سیوطی

صرفاً به نقل اقوال، بسنده نمی‌کند بلکه آرای دانشمندان را نقد کرده و یا جواب گفته و یا بر رأی برخی صحه گذاشته و بعضی را مورد تشکیک قرار می‌دهد. مثلاً در مسئله دوم [از مبحث اسباب نزول] می‌گوید: اهل اصول اختلاف کرده‌اند که: آیا عموم لفظ معتبر است یا سبب خاص؟ به نظر ما قول صحیح‌تر همان اولی است... سپس می‌گوید: «از جمله دلایل اعتبار عموم لفظ، احتجاج صحابه و غیر آنهاست که در وقایعی به عموم آیاتی که در مورد خاصی نازل شده استدلال می‌کردند و این روش در میان آنها شایع بوده است».^{۲۶}

آنگاه سیوطی می‌نویسد: «اگر بگویی که پس چرا ابن عباس آیه (و لاتحسبن الذین یفرحون...) را معتبر ندانسته، در جواب می‌گوییم: بر او مخفی نبوده که لفظ از سبب نزول اعم است ولی او خواسته این معنی را بفهماند که در این آیه مورد خاصی منظور شده است».^{۲۷}

سیوطی پس از ذکر اقوال علما در هر مسئله‌ای، نتیجه آن را بیان می‌کند. به عنوان مثال در مسئله چهارم می‌گوید: «واحدی گفته: سخن گفتن درباره اسباب نزول آیات قرآن جز به وسیله روایت و شنیدن از کسانی که شاهد نزول آن آیات بوده و بر اسباب، آگاهی داشته‌اند جایز نیست...». آنگاه بعد از ارائه آرای علما در این زمینه ادامه می‌دهد: «می‌گوییم: آنچه در تعریف سبب نزول می‌توان نوشت آن است که سبب نزول امری است که آیه در ایام وقوع آن نازل شده باشد تا آنچه واحدی درباره سوره فیل گفته است که سبب آن، فیل آوردن اهالی حبشه می‌باشد خارج شود. [چرا که این از اسباب نزول نمی‌باشد بلکه از باب خبر دادن از رویدادهای گذشته است مانند قصه نوح و عاد و ثمود و بنای کعبه و امثالهم...]».

در پایان این نوع، نکته‌ای می‌آورد و می‌گوید: «در آنچه برایت در این مسئله آوردم تأمل کن و آن را محکم بگیر چرا که من آن را با تفکر خودم از استقرای آرای پیشینیان این فن و از لابه لای کلمات آنها تحریر و استخراج نمودم و پیش از من کسی این مطلب را نگفته

چنان‌که به نوع شصت و دوم یعنی مناسبت آیات و سوره مراجعه کنیم، ملاحظه می‌شود که سیوطی روش خود را با شخصی که در این نوع تألیفی جداگانه داشته منطبق می‌داند و آنگاه به ذکر آرای علما در این خصوص می‌پردازد و به معرفی تناسب و فوائد و اسباب آن می‌پردازد و می‌گوید: «علامه ابو جعفر بن زبیر - استاد شیخ ابو حیان - کتاب جداگانه‌ای در این موضوع تألیف کرده و آن را البرهان فی مناسبت ترتیب سورة القرآن نام‌گذاری کرده و از معاصرین نیز شیخ برهان‌الدین بقاعی در این باره تألیفی به نام نظم الدرر فی تناسب الآیه و السور دارد. نیز کتاب خودم که درباره اسرار نزول تألیف کرده‌ام این فن را در بر گرفته و مناسبات آیات و سوره‌ها را جمع نموده؛ اضافه بر آنچه از وجوه اعجاز و اسالیب بلاغت در بر دارد و از آن کتاب، جزوه لطیفی [مختصری] تلخیص کردم که ویژه تناسب سوره‌هاست و آن را تناسق الدرر فی تناسب السور نامیدم».^{۲۹}

در آخر الاتقان می‌نویسد: «خداوند متعال بر من منت نهاد که این کتاب بدیع و گران‌سنگ را به پایان رسانم؛ کتابی که حُسن نظم‌ش از رشته‌های مروارید زیباتر است؛ جامع فواید و محاسنی است که در عصرهای گذشته در هیچ کتابی نیامده بود. قواعد و ضوابطی را در آن تأسیس کردم که به فهم و درک کتاب منزل کمک کنند و نردبان‌هایی ساختم که بر اهدافش نایل سازند و کمینگاه‌هایی در آن ساختم که از گنجینه‌هایش هر در بسته را از طریق آنها می‌توان باز کرد. لب اندیشه‌ها و برترین آرا و سخنان مقبول و راستین در آن آورده شده، کتابهای علمی را چنان زیر و رو کردم که گویی کره و خالص آنها را بر گرفتم و در گلستان تفاسیر با همه فراوانی - گذشتم و میوه‌ها و گل‌هایش را چیدم و در اقیانوس فنون قرآن شنا و غواصی کردم و از آن گوهرها و لآلی را بر آوردم و معادن گنجها را شکافتم و شمشهای طلای آن را بیرون آوردم و تار و پود کتابم را از آنها بنا کردم تا آنجا که در آن سخنان بدیعی جمع شد به نحوی که گردن‌ها از دیدن آن ناتوان ماند و در هر نوع آن آنچه در کتابهای مختلف پراکنده بود گرد آمد...».^{۳۰} سیوطی در آخر الاتقان پس از دسته‌بندی و ذکر انواع گوید: «فهمه ثمانون نوعاً علی سبیل الادماج و لو نوعت باعتبار

ما ادمجته فی ضمنها لزادت علی الثلاث مائة و غالب هذه الانواع فیها تصانیف مفردة...»^{۳۱}

قبل از پایان، لازم می‌دانم که اشاره‌ای به کتاب البرهان فی علوم القرآن زرکشی^{۳۲} و بیان میزان تأثیرپذیری سیوطی از این کتاب بکنم.

مقایسه بین الاتقان و البرهان

سیوطی در مقدمه کتابش الاتقان بیان داشته که قبل از شروع به تألیف کتاب، به وجود البرهان، تظنن یافته است: «هذا كله و انا اظن انی متفرد بذلك، غیر مسبوق بالخوض فی هذه المسالك فبینا أنا أجيل فی ذلك فکراً، أقدم رجلاً و أواخر أخرى، اذ بلغنی ان الشيخ الامام بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی احد متأخری اصحابنا الشافعیین ألف کتاباً فی ذلك حافلاً یسمى (البرهان فی علوم القرآن) فتطلبتہ حتی وقفت علیه».^{۳۳}

همچنین در آنجا گفته که از وجود این کتاب شادمان و مسرور شده اما پس از اطلاع از کتاب البرهان عزمش بر نگارش کتاب الاتقان سست نگردید. پس آیا او این کتاب را ناقص یافته و یا اینکه در صدد نگارش کتابی مبسوط‌تر و مفصل‌تر برآمده است، کتابی که در آن آنچه از علوم بدو رسیده را استقصا کرده، چنانچه نوشته: «خطر لی أن أولف کتاباً مبسوطاً و مجموعاً مضبوطاً، اسلك فیہ طریق الاحصاء و أمشی فیہ علی منهاج الاستقصاء».^{۳۴}

سیوطی به دلیل وجود تفکر موسوعی، گمشده‌اش را در البرهان نمی‌یابد چنان‌که گفته: «و لما وقفت علی هذا الكتاب -أی البرهان- ازدددت به سروراً و حمدت الله کثیراً و قوی العزم علی ابراز اما اضمرتہ و شددت الحزم فی انشاء التصنیف الذی قصدته فوضعت هذا الكتاب العلی الشأن، الجلی البرهان، الکثیر الفوائد و الاتقان».^{۳۵}

من روش سیوطی در این کتاب و تفاوت آن با البرهان زرکشی را در ترتیب، بیان داشتم. سیوطی در این خصوص نوشته: «و انواع آن را از کتاب البرهان بهتر ترتیب دادم و برخی از انواع را در برخی دیگر ادغام کردم و مباحثی که لازم بود بیان شود به تفصیل در آنها سخن راندم و بر آنچه در کتاب البرهان بود از فواید، فراید و قواعد و مباحث پراکنده آنقدر که

گوشها را زینت دهد افزون کردم و آن را الاتقان فی علوم القرآن نامیدم»^{۳۶} انواع، در کتاب سیوطی به ۸۰ نوع می‌رسد حال آنکه در نزد زرکشی شامل ۴۷ نوع می‌گردد. لهذا سیوطی به انواع برهان ۳۳ نوع افزوده و این تعداد تقریباً معادل دو سوم انواع برهان می‌شود.

این افزایش انواع به دو گونه است؛ برخی از آنها در حقیقت توسعه همان نوع واحد زرکشی بوده است مانند نوع دهم در برهان یعنی (مغرفة اول ما نزل و آخر ما نزل)، که نمی‌توان به زرکشی منحصر کرد. به عنوان مثال نوع نوزدهم (معرفة التصريف) را سیوطی در قالب سه نوع بیان داشته بدین قرار:

نوع سی و یکم: فی الادغام و الاظهار و الاخفاء و الاقلاب؛ نوع سی و دوم: فی المد و القصر؛ نوع سی و سوم: فی تخفیف الهمز؛ نیز نوع بیست و یکم یعنی بلاغة القرآن، معرفة کون اللفظ و التركيب احسن و اوضح، همان حکایت را دارد. سیوطی این نوع را در قالب سه نوع بیان داشته؛ نوع پنجاه و سوم: فی تشبیه و استعارته؛ نوع پنجاه و ششم: فی الایجاز و الاطناب؛ نوع پنجاه و هشتم: فی بدیع القرآن.

سیوطی با عنوان بلاغة القرآن، نوعی نیاورده؛ ولی این بدان معنای نیست که زرکشی در این نوع یکه‌تاز بوده و سیوطی از آن اغفال گردیده و آن را ذکر نکرده است. گرچه به آن نوع، عنوان مستقلی اختصاص نداده است.

از وجود مقایسه بین البرهان و الاتقان می‌توان به ادغام برخی از انواع در برخی دیگر اشاره کرد که سیوطی در مقدمه از آن یاد کرده است.

از این دست می‌توان به ادغام نوع یازدهم: معرفة علی کم لغة نزل و نوع دوازدهم: فی کیفیت انزاله، اشاره نموده که سیوطی آن را ادغام کرده و یک نوع واحد قرار داده و آن نوع شانزدهم (فی کیفیت انزاله) از الاتقان می‌باشد. که در آن سیوطی مسائل مربوط به احرف سبعة را عنوان کرده و آنچه را زرکشی در نوع شانزدهم برای این موضوع اختصاص داده، مبسوط‌تر از وی شرح داده است.

نیز نوع بیست و سوم برهان (معرفة توجیه القراءات) همان حکایت را دارد. سیوطی در

این موضوع، نوعی را اختصاص نداده بلکه در پایان نوع بیست و هفتم در تنبیه ششم (من المهم معرفة توجيه القراءات...) از آن مطلب یاد کرده است.

نوع سی ام نیز چنین است. زرکشی در آن نوع گفته: «هل يجوز في التصانيف و الرسائل و الخطب استعمال بعض آيات القرآن» که سیوطی از این مطلب در نوع سی و پنجم (آداب تلاوته و تالیه) یاد کرده است، تحت عنوان (فصل في الاقتباس و ماجری مجراه).

از جمله اموری که سیوطی در عرصه مقایسه اتقان و برهان آورده، تفصیل مطالب بایسته شرح و ذکر فوائد و فرائد و قواعد و شوارد آن بوده است. به عنوان مثال سیوطی (غریب القرآن) را در ۶۳ صفحه آورده حال آنکه زرکشی این مطالب را در ۶ صفحه ذکر کرده و این زیادت ناشی از جمع اقوال دانشمندان در این نوع و آوردن روایات ابن عباس و نافع بن ازرق می باشد که به جهت استفاده کامل، سیوطی آن را بیان داشته است. نیز نوع هفتادم (مبهمات القرآن) را سیوطی در یازده صفحه آورده و زرکشی فقط در هشت صفحه. و دلیل این زیادت، تلخیص کتابش، مفحمات الاقران فی مبهمات القرآن بوده است.^{۴۰}

اما زرکشی نیز در ذکر نوع چهلم (فی بیان معاضدة السنة القرآن) منحصر به فرد است و در اتقان ندیدیم که سیوطی به آن مطلب پرداخته باشد.

سیوطی بر انواع زرکشی، بسیاری از انواع را افزون کرده که در جدول ذیل آنها را ذکر می کنم:

شماره نوع	موضوع
۲	الحضری و السفری
۳	النهارى و اللیلی
۴	الصیفی و الشتائی
۵	الفراشی و النومی
۶	الارضی و السمائی
۱۰	ما نزل علی لسان بعض الصحابة

موضوع	شماره نوع
ما تكرر نزوله	١١
ما تأخر حكمه عن نزوله، و ما تأخر نزوله عن حكمه	١٢
ما نزل مفزقاً و ما نزل جمعاً	١٣
ما نزل مشيعاً و ما نزل مفرداً	١٤
ما انزل منه على بعض الأنبياء و ما لم ينزل منه على احد قبل النبي الله (ص)	١٥
العالي و النازل	٢١
بيان الموصول لفظاً، المفصول معنى	٢٩
الامالة و الفتح و ما بينهما	٣٠
كيفية تحمله	٣٤
قواعد مهمة يحتاج المفسر الى معرفتها	٤٢
خاصه و عامه	٤٥
مجمله و مبينه	٤٦
مطلقه و مقيده	٤٩
منطوقه و مفهومه	٥٠
الحصر و الاختصاص	٥٥
الايجاز و الاطناب	٥٦
اقسام القرآن	٦٧
الاسماء والكنى و الألقاب	٦٩
اسماء من نزل فيهم القرآن	٧١
مفردات القرآن	٧٤
شروط المفسر و آدابه	٧٨
غرائب التفسير	٧٩
طبقات المفسرين	٨٠



این تفاوت بدان معنا نیست که زرکشی از ذکر همه این انواع یاد شده، غفلت ورزیده بلکه هر یک از آنها را در ضمن نوع دیگر بیان داشته است و این بدان جهت است که علوم قرآن با هم تداخل دارند و برخی با برخی دیگر ارتباط و پیوند داشته‌اند. و امام سیوطی هنگامی که این انواع را افزون نمود، چیزی که بتوان آن را مطلب بدیعی در علوم قرآن به شمار آورد، ذکر نکرده است. اما به هر حال به جهت جمع‌آوری مطالب پراکنده و ترتیب این انواع در یک کتاب تکمیل شده واحد، با وحدت رویه و انسجام کامل، فضل به او برمی‌گردد. و این همان چیزی است که سیوطی در آخر کتاب الاتقان و بعد از اینکه خداوند را به جهت منت گذاشتن بر وی در اتمام کتاب، سپاس گفته به آن اشاره کرده است.

و این توانمندی عجیب سیوطی نشان از فکر و قواد او دارد که وی را به این موضوع یگانه سوق داد و در مؤلفات بسیار - با وجود اختلاف در مشارب و اقوال و مذاهب - سیر کرد و در آن به تفحص و تحقیق پرداخت تا جایی که وجوه صواب بر او روشن گردیده و آن تألیفات را پس از زیادت و شروح بسیار، آن هم به وسیله تفکر صائب و رای ثاقب، در یک کتاب دستچین کرد.

تا بدان جا که یکی از محققین در این باره چنین نوشت:^{۴۱} «و این کتاب [=الاتقان]، شبیه به کتاب المزهَر^{۴۲} است. هر یک از ابواب آن نهایت آن علمی است که در باره اش سخن رفته. هر چند لغویون بعد از سیوطی توانستند به آنچه او در المزهَر نگاشته چیز جدیدی اضافه کنند؛ اما قرآن پژوهان بعد از الاتقان مطلبی را بدان افزون نکردند.»

- ۱۱- کتاب معترک الأقران فی اعجاز القرآن را احمد شمس الدین به سال ۱۹۸۸م در دارالکتب العلمیه با تحقیق و تصحیح به چاپ رسانده و قبل از او علی بجاوی آن را تحقیق کرده و در مصر به چاپ رسیده بود.
- ۱۲- کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» بارها به چاپ رسیده؛ در سال ۱۹۸۷م به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم در بیروت به چاپ رسید. نیز دکتر مصطفی بغا به تعلیق آن همت گماشت و در سال ۱۹۸۷م در قالب ۲ جلد در دار این‌کثیر به چاپ رسید؛ نیز مقایسه کن کتاب مفحمات الأقران را با نوع سی و سوم از وجوه اعجاز قرآن در کتاب معترک الأقران: ۳۶۶-۳۸۴/۱ و نوع هفتماد میهمات از کتاب الاتقان: ۱۱۱۰/۲-۱۰۸۹.
- ۱۳- نگر: الاتقان فی علوم القرآن: ۹۷۶/۲؛ مقایسه کن با کتاب «تاسق الدرر...».
- ۱۴- دکتر تهامی راجی هاشمی، به تحقیق این کتاب همت گماشت و در چاپخانه فضالهُ مغرب، تحت اشراف هیئت مشترک انتشارات میراث فرهنگی (حکومت مغرب و امارات متحده عربی) به چاپ رسیده است.
- ۱۵- این کتاب در دارالبلاغه بیروت به سال ۱۹۸۸م با تحقیق دکتر عبدالکریم زبیدی به چاپ رسید.
- ۱۶- کتاب التبحیر فی علم التفسیر قبل از الاتقان تألیف شده و شامل ۱۰۲ نوع از انواع علوم قرآن می‌شود. موضوعات این دو کتاب نزدیک به هم است. دکتر فتحی عبدالقادر فرید، در سال ۱۹۸۲م پس از تحقیق در دارالعلوم ریاض آن را به چاپ رساند و قبل از آن در لاهور پاکستان به چاپ رسیده بود.
- ۱۷- محمد بن سلیمان بن سعدالدین بن مسعود محی الدین الکافیجی ابوعبدالله؛ وجه تسمیه او در کثرت قرائت کتاب الکافیجی ابن‌حاجب است. قبل از سال ۸۰۰ق [متولد و در سال ۸۷۹ وفات می‌یابد. برای شرح حال او رک: حسن المحاضرة ۵۵۰/۱-۵۴۹؛ بغیة الوعاة ۱۱۷/۱-۱۱۹؛ الضوء اللامع: ۲۵۹/۷؛ المنجم فی المعجم: ق: ۲۶] (این کتاب خطی به شماره ۹۰۰/۲۳۱ در کتابخانه شیخ عارف حکمت، نگهداری می‌شود).
- ۱۸- این کتاب: التیسیر فی قواعد علم التفسیر نام دارد که به تحقیق ناصر بن محمد المظرودی به سال ۱۹۹۰م در

- این نوشتار، برگردان بخشی از مقاله «السیوطی و علوم القرآن» است که در مجله «مجمع اللغة العربية» دمشق شماره ربیع الآخر ۱۴۱۳هـ/ تشرین الاول (اکتبر) ۱۹۹۲م به چاپ رسیده است.
- توضیح آنکه، آن قسمت از مقاله -که کمتر ارتباطی با عنوان مقاله داشت- مربوط به سیره و تاریخچه مختصری از علّامه سیوطی بود که برگردان نشد.
- ۱- حسن المحاضرة: ۳۳۶/۱.
- ۲- امام سیوطی در کتابش (التحدث بنعمة الله) ص ۱۳۷ متن این تقریظ را آورده است.
- ۳- حسن المحاضرة: ۳۳۸/۱؛ التحدث بنعمة الله، ۲۰۳.
- ۴- سیوطی در این ادعا، مبالغه نموده؛ چرا که خود او به کتب سابق دست یافته بود، چنان‌که از دیدن کتاب البرهان زرکشی و از کتاب استادش بلقینی شگفت‌زده می‌شود.
- ۵- بهجة العابدین، ق: ۱۳۵؛ یک دست نوشته‌ای هم در کتابخانه الاسد الوطنیه به شماره ۵۸۹۶ موجود است؛ مقایسه کن با حسن المحاضرة: ۳۳۹/۱-۳۴۰.
- ۶- از نسخه دارالکتب الوطنیه دمشق عامره.
- ۷- تاریخ الأدب العربی: ۱۸۱، بی‌بی.
- ۸- این رساله با تعدادی از رساله‌های دیگر در سال ۱۳۳۱هـ به کوشش شیخ جمال‌الدین قاسمی در دمشق به چاپ رسیده است.
- ۹- به این کتاب دست نیافتم؛ دکتر محمد سلمان در کتابش السیوطی النحوی به این کتاب اشاره می‌کند و من این مطلب را از مقدمه سیوطی ص ۱۳۰-۱۲۹ نقل کرده‌ام. این کتاب خطی در کتابخانه سلیمانیه استانبول به شماره ۴۱ (مراد بخاری) موجود است. سیوطی به این کتاب و محتویات آن در مقدمه کتابش «تاسق الدرر فی تناسب السوره» -تحقیق عبدالله درویش طبع دارالکتب العربی، سوریه ۱۹۸۳- ص ۲۶-۲۵ اشاره نموده است.
- ۱۰- این کتاب بارها به چاپ رسیده است؛ استاد مصطفی البغا، به تحقیق و تعلیق آن اهتمام ورزیده و کتاب در مؤسسه علوم القرآن دمشق برای بار دوم و به سال ۱۹۸۳م به چاپ رسیده است.

دارالقلم دمشق به چاپ رسید.

۳۷- البرهان فی علوم القرآن زرکشی. تحقیق د. یوسف

مرعشلی و دیگران، ۴۸۰/۲.

۳۸- در نسخه مصر به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم به ۴۸۱ صفحه می‌رسد.

۳۹- نگر: مقدمه البرهان، همان: ۸۲/۱.

۴۰- ر.ک: الاتقان: ۱۱۱۰/۲-۱۰۹۱.

۴۱- محمود رزق سلیم: عصر سلاطین الممالیک و نتاجه العلمی و الادبی (چاپخانه النموذجیه مصر)، ۳۷۵/۳.

۴۲- نگر به مقاله مترجم: منابع و مأخذ سیوطی در کتاب المزهر از نگارنده (مترجم) در آینه پژوهش ش ۶۵.م.

۱۹- قاضی القضاة علم‌الدین صالح بن شیخ الاسلام

سراج‌الدین، طلایه‌دار مذهب شافعی در زمان خود بوده؛ در سال ۷۹۱ متولد و به سال ۸۶۸ وفات می‌یابد. نگر:

حسن المحاضرة: ۴۴۴-۴۴۵/۱؛ شذرات الذهب: ۳۰۶/۷.

۲۰- ر.ک: النهایة ابن اثیر: ۵/۱، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود الطنحی، نشر المكتبة الاسلامية.

۲۱- كشف الظنون: ۸/۱

۲۲- این رساله را، فؤاد سید در مجله «معهد المخطوطات العربیة مصر» در مجلد اول جزء چهارم، مه ۱۹۵۸، ص ۱۲۸ به چاپ رسانید.

۲۳- نظم العقیان فی أعیان الأعیان سیوطی تحقیق دکتر فیلیپ حتی: طبع نیویورک، ۱۹۲۷، ص ۱۴۹.

۲۴- الاتقان، ۹۲/۱.

۲۵- این کتاب به طور مستقل به کرات چاپ شده، نیز در قالب حاشیه تفسیر الجلالین.

۲۶- الاتقان: ۹۶/۱.

۲۷- همان: ۹۸/۱.

۲۸- همان: ۱۰۹/۱.

۲۹- همان: ۹۷۶/۲.

۳۰- همان: ۱۲۰۰/۲. حاشیه دکتر بغا.

۳۱- همان: ۲۰/۱.

۳۲- امام بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر، ابوعبدالله

المنهاجی الزرکشی ترکی الاصل المصری الشافعی؛ یکی از دانشمندان سده هشت هجری (۷۹۴-۷۴۵هـ) است.

زرکشی بر وزن جعفری منسوب است به صنعت زرکشی - وجه تلقیب وی اشتغال به حریر بافی - قبل از تحصیل -

بوده است. نگاه کن به: مقدمه دکتر یوسف مرعشلی بر کتاب البرهان (طبع دارالمعرفة، بیروت ۱۹۹۰): ۱۱-۱۲/۱؛ این

کتاب قبلاً در قالب ۴ جزء در چاپخانه عیسی البابی الحلبی در مصر، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم به

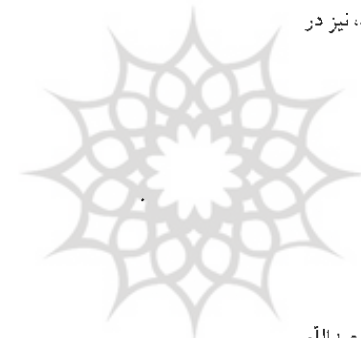
چاپ رسیده است.

۳۳- الاتقان: ۱۴/۱.

۳۴- همان: ۱۳/۱.

۳۵- همان.

۳۶- همان: ۱۷/۱-۱۶.



کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مجموعه کتابخانه‌های تخصصی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران